

تصاویر/سبک زندگی که رضاخان ترویج داد

۲۷ شهریور ۱۳۹۳ ساعت ۱۰:۴۵

توسعه اقتصادی الزاماً نیازمند هویت مستقل فرهنگی است. هیچ کشوری بدون داشتن هویت مستقل فرهنگی توسعه پیدا نکرده است. علت هم این است اگر انسان‌ها را از فرهنگ تهی کنید مثل درختی می‌شوند که ریشه‌اش قطع شده باشد.

امیر حمزه نژاد: سبک زندگی مفهومی نشأت گرفته از سنت، دیانت، باور و نگرشهای فرهنگی و ملی است. اما سبک زندگی ایرانی به سبب پاره‌ای از تحولات تاریخ معاصر بخصوص در زمان پهلوی دستخوش تغییر و تحولات جدی شده و غالباً به فراموشی سپرده شده است تا جایی که برخی از کارشناسان بیان می‌دارند که جامعه ایران یک جامعه کوتاه مدت و کلنگی است که توانایی حفظ آثار گذشته را ندارد و یا اینکه آنقدر مدرنیزه برای آن جذاب است که هر چه سریعتر می‌خواهد آنرا پشت سر گذارده و به یک آینده مدرن برسد. این درحالی است که انسان با توجه به وجه زمان نیز تعریف می‌شود و این وجه زمان تنها در آینده خلاصه نمی‌شود بلکه به گذشته و حال نیز تعلق دارد.

به این معنا هویت ایرانی از گذشته تا آینده تشکیل شده است. اما در زمینه فراموش شدن سبک زندگی ایرانی اسلامی باید به تحولات تاریخی نیز نگاهی انداخت. بخصوص اگر به تحولات تاریخ معاصر و بویژه دوران پهلوی نگاهی بیندازیم مشاهده می‌شود که تغییر در سبک زندگی ایرانیان خواسته حکومتی بود و به اصطلاح اصلاحاتی که در دوران پهلوی اول در زمان رضاخان به مردم تحمیل شد، مساله سبک زندگی بسیار مورد توجه قرار داشت. در این باب رضاخان سبک زندگی ایرانی را عامل عقب ماندگی ایران می‌دانست و از این رو برخی از تغییرات فرهنگی را در بسته اصلاحاتی خود جای داد که یکی از این موارد مهم و ریشه‌ای بحث حجاب بود. موضوع کشف حجاب در دوران پهلوی اول تنها به پوشش ظاهری بانوان منحصر نبود بلکه در این میان سبک زندگی ترویج شد که این باور غلط را به جامعه القا می‌کرد که برای مدرنیزه شدن باید غربی شد.



محور اصلی این تحولات، تثبیت نظام مطلقه سیاسی، ترویج ناسیونالیسم باستانگرایانه افراطی، با تاکید بر "یکتایی" نژاد "آریایی" و همزمان با آن تجددطلبی شیوه اروپایی بود. "اصلاحات" سیاسی و اجتماعی آن دوران در راستای تحقق سیاستها بود.

تجددطلبی، که اساس سیاست فرهنگی رضاشاه را تشکیل می داد، با پذیرفتن شیوه زندگی اروپایی در ایران، که کم و بیش از دوره قاجاریه شروع شده بود، همراه بود. به طور کلی این سیاست را در چند مرحله میتوان بازشناخت:

۱. وضع قوانین غیرشرعی و تجدید سازمان عدلیه؛

۲. متحدالشکل کردن لباس و رواج پوشاک اروپایی؛

۳. کشف حجاب از بانوان؛

۴. ایجاد سازمان آموزشی به شیوه نوین.



از ویژگیهای سازمان آموزشی جدید تشکیل فرهنگستان زبان فارسی، تاسیس سازمان پرورش افکار، تغییر تقویم هجری، تشویق روحیه ناسیونالیستی در کشور و تجلیل افراطی از تمدن باستانی ایران بود. تغییر لباس و رواج کلاه پهلوی، و سپس شاپو، گام دیگری بود که رضاخان برای ترویج فرهنگ غرب برداشت...

کشف حجاب به دلیل سیطره فرهنگ اسلامی به آسانی میسر نمی‌شد. به همین دلیل دولت وقت با تشکیل مجامع و کانونهای مختلف زمینه چنین اقدامی را فراهم کرد...



در خرداد ۱۳۱۴، کانون بانوان تحت نظارت شمس پهلوی تاسیس شد و دختران دانش‌آموز تهرانی ضمن شرکت در مراسم رسمی جشن پیشاهنگی با لباسهای ویژه رژه رفتند. در این میان، جمعیت نسوان وطنخواه و کانوان بانوان نقش مهمی در اجرای برنامه‌های رضاخان ایفا کردند....

این موضوع نشان دهنده آن بود که حکومت ایران در زمان رضاخان مساله مدرنیزه و صنعتی شدن غرب را می‌دید و در آرزوی آن به سر می‌برد اما حکومت تنها شاخ و برگ زیبای این درخت را مشاهده می‌کرد و ریشه و دانه‌ای که این درخت از آن رشد کرده را نمی‌دید. متاسفانه این مساله به نوعی دیگر در «انقلاب سفید» محمدرضا شاه پیگیری شد و تخم این باور غلط در ذهن برخی از افراد کاشته شد که متاسفانه امروز هم هنوز برخی از روشنفکران به آن باور دارند.



این درحالی است که به باور کارشناسان توسعه اقتصادی الزاماً نیازمند هویت مستقل فرهنگی است. هیچ کشوری بدون داشتن هویت مستقل فرهنگی توسعه پیدا نکرده است. علت هم این است اگر انسان‌ها را از فرهنگ تهی کنید مثل درختی می‌شوند که ریشه‌اش قطع شده باشد. این درخت نمی‌تواند روی پا بایستد و ریشه‌ای جدید هم فوراً ایجاد نمی‌شود. پس وجود هویت مستقل فرهنگی برای توسعه اقتصادی لازم است. این باور غلط متأسفانه سبب شده است که در کشورمان بعضاً روکشی از توسعه و پرستیژ مدرنیته رسوخ کند.



این مساله را مرحوم دکتر حسین عظیمی آرانی که سالها در زمینه توسعه فعالیت کرده بود با مقایسه تطبیقی کشورمان با کشور توسعه یافته ژاپن اینگونه پاسخ گفته است:

«بیش از صد سال قبل یک فیلسوف ژاپنی، این سؤال اساسی را برای جامعه‌ی ژاپن آن زمان مطرح می‌کند که به لحاظ فرهنگی آیا باید از غرب تقلید کنیم یا سنت‌های ژاپنی را حفظ کنیم، کدام یک از این دو، ما را به توسعه می‌رساند؟ جوابی که داده بود و ژاپنی‌ها به کار گرفته‌اند، جوابی است که هم آن زمان درست بوده و هم اکنون. جواب این است که: نباید مقلد غرب باشیم و همچنین نباید به سنت‌های خودمان بچسبیم. ما باید روح تمدن جدید را در کالبد فرهنگ ژاپنی تزریق کنیم. از دید او این روح تمدن جدید همان مفاهیمی است که مورد اشاره ما نیز هست یعنی علم باوری و انسان باوری، یعنی ما باید به دنبال علم باوری و انسان باوری در فرهنگمان باشیم اگر چیزی را در این راستا باید تغییر داد، تغییر بدهیم و اگر چیزی را نباید تغییر داد، تغییر ندهیم. اگر این کار را بکنیم خواهیم دید که علی‌رغم همه‌ی مشکلات، در مسیر توسعه قرار گرفته‌ایم.

"کشور ما ایران، علی‌رغم سابقه دیرینه در ساختن تمدن بشری و با وجود غنای فرهنگی و اعتقاد به نگرش انسان‌ساز و تمدن‌آفرین اسلامی، به دلایل گوناگون از پیمودن مسیر تمدن سازی جدید عقب مانده است. در نتیجه بر خلاف عصر پرچم‌داری تمدن باستان و نیز برخوردار از پشتوانه غنی فرهنگ اسلامی، متأسفانه اغلب هویت و عزت ملی و مذهبی خود را در پای "بت تقلید جاهلانه"

رویه‌های نامربوط تمدن جدید صنعتی، قربانی کرده‌ایم ... این مسئله تا آن حد پیش رفته که حتی در زبان فارسی وقتی از کلمه "نو" سخن به میان می‌آوریم به طور تلویحی مفهوم "خوب" هم به ذهنمان می‌آید و یا وقتی کلمه "قدیمی" را می‌شنویم برایمان مفهوم مستهلک شده، بد و از بین رفته برایمان تداعی می‌شود. این نکته نشان می‌دهد که ما تا چه حد در فرآیند گم کردن "خود" پیش رفته‌ایم. به این اعتبار است که اگر چیزی قدیمی است باید دور انداخته شود، اگر چیزی نو است باید کوشید آنرا به دست آورد. این نگرش باعث می‌شود که توان‌های خودمان را فراموش کنیم و به دیگران متکی شویم. تاکید می‌کنم منظور من از بازگشت به خود به این مفهوم نیست که همه چیز گذشته و حال ما عالی است و باید حفظ شود...»

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۸۱۴۶/ترویج-رضاخانه-زندگی-سبک-تصاویر/۲۸۱۴۶>